

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تقیه
 تاریخ: ۲۲ آبان ۱۳۹۷
 موضوع جزئی: ادله مشروعیت تقیه _ دلیل اول: کتاب (آیه اول)
 مصادف با: ۵ ربیع الاول ۱۴۴۰
 جلسه: ۱۰

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

ادله مشروعیت تقیه

بعد از بیان برخی مقدمات و تقسیماتی که برای تقیه ذکر شد نوبت به ادله مشروعیت تقیه میرسد. ما عرض کردیم تقیه به حسب ذاتش چهار قسم است: تقیه اکراهی، تقیه مداراتی، تقیه خوفی و تقیه کتمانی.

وقتی بحث از مشروعیت تقیه به میان می‌آید قهراً ما مشروعیت اقسام چهارگانه مذکور را باید بررسی کنیم و ببینیم آیا همه اقسام مشروع‌اند یا برخی از اقسام مشروع‌اند، لذا ادله مشروعیت را از جهت شمول آن نسبت به این اقسام چهارگانه باید بررسی کنیم. البته این ادله از جهات دیگری هم باید مورد کنکاش قرار گیرند. مثلاً اینکه آیا مقصود از ضرر، خصوص ضرر دینی است یا ضرر دنیایی؟ یا مثلاً اینکه آیا این ضرر فقط باید متوجه خود شخص و عائله و عرض و مال او باشد یا حتی اگر متوجه دیگری هم باشد تقیه صدق می‌کند. هم‌چنین به حسب خود متقی، به حسب متقی منه به حسب متقی فیه، این ادله باید حتماً مورد توجه قرار گیرد که این را بعداً مورد رسیدگی قرار می‌دهیم.

اما فعلاً آن اقسام و انواع چهارگانه که به حسب ذات تقیه پدید آمده، می‌خواهیم ببینیم که اینها مشروعیت دارند یا ندارند. به چند دلیل برای مشروعیت تقیه استناد شده است، منظور از مشروعیت اصل جواز تقیه است. جواز بالمعنی الأعم، فعلاً کاری به حکم تکلیفی تقیه نداریم. چون مرحوم شیخ برای تقیه احکام خمسسه تکلیفیه را ذکر کرده‌اند که برخی از اقسام واجب است، برخی مستحب است، برخی مکروه است و حتی تقیه حرام و مباح هم داریم. ما فعلاً کاری به احکام پنج‌گانه نداریم بلکه اصل مشروعیت و جواز به معنای عام مورد نظر ما است.

دلیل اول: کتاب

دلیل اول از کتاب و آیات قرآن است. در قرآن به چند آیه استناد شده است؛

آیه اول

« لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ »^۱ ترجمه این آیه این است که: نباید اهل ایمان کافران را به جای مؤمنان، دوست و ولی و سرپرست خودشان قرار دهند، و اگر کسی چنین کند نزد خدا ارزش و اعتباری ندارد، مگر آنکه از کفار تقیه کند و خداوند شما را هشدار می‌دهد و بازگشت همه بسوی اوست.

۱. سوره آل عمران آیه ۲۸.

در مورد معنای این آیه و دلالت و ارتباط این آیه با مدعا بحث‌هایی صورت گرفته. ابتدا گزارشی از این سخنان ارائه داده و سپس باید ببینیم که این آیه دلالت بر مشروعیت تقیه دارد یا نه.

دلالت آیه طبق نظر علمای شیعه

نوعاً عالمان شیعه به این آیه استناد کردند برای مشروعیت تقیه، منتهی عمدتاً ادعا می‌کنند که این آیه بر مشروعیت تقیه خوفی دلالت می‌کند.

مثلاً طبرسی در مجمع البیان می‌فرماید: «و فی هذه الآیة دلالةٌ علی أن التقیةَ جائزةٌ فی الدین عند الخوف علی النفس». ظاهر این سخن این است که تقیه مشروع است، منتهی «عند الخوف علی النفس». این ظهور در مشروعیت تقیه خوفی و چه بسا تقیه اکراهی دارد. چون منشأ هر دو خوف است، هم در تقیه خوفی و هم در تقیه اکراهی منشأ آن خوف بر نفس است، با توجه به اختلافی که در دامنه این خوف وجود دارد. البته در ادامه مجمع البیان می‌فرماید: «و قال اصحابنا إنها جائزة فی الاحوال كلها عند الضرورة و ربما وجبت فیها لضرب من اللطف و الاستصلاح». آن‌گاه ایشان به اصحاب نسبت دیگری می‌دهد که دامنه‌اش اعم از دلالت این آیه است. در مورد آیه می‌گوید: آیه دلالت می‌کند بر اینکه تقیه عند الخوف علی النفس مشروع است. اما می‌فرماید اصحاب ما معتقداند که تقیه جائز است «عند الضرورة» اگر به ادامه عبارت دقت کنیم می‌گوید: «و ربما وجبت فیها لضرب من اللطف و الاستصلاح». از این عبارت بر می‌آید که تقیه مداراتی هم مشروع است که اصحاب هم این را می‌گویند، ولی این به این معنا نیست که از آیه استفاده می‌شود، آیه نهایتاً طبق این بیان دلالت بر مشروعیت تقیه خوفی و اکراهی می‌کند. البته در مورد معنای این قسمت از آیه «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» می‌فرماید: «المعنا إلا أن يكون الكفار غالبین و مؤمنون مغلوبین فیخافهم المؤمن إن لم يظهر موافقتهم و لم یحسن العشرة معهم فعند ذلك یجوز له اظهار مودتهم بلسانه و مداراتهم تقیةً منه و دفعاً عن نفسه من غیر أن یعتقد ذلك»^۱.

می‌گوید معنای این آیه این است که در شرایطی که کفار غالب‌اند و مؤمنین مغلوب، یعنی قدرت و سیطره با آنها است و مؤمن خوف دارد که اگر موافقت با آنها نکند و معاشرت خود را با آنها نیکو نگرداند برای او مشکلاتی پیش می‌آید، می‌تواند اظهار مودت کند با آنها زبانه و تقیاً با آنها مدارا کند بدون اینکه اعتقاد قلبی داشته باشد.

سوال:

استاد: البته در اینجا هم دوستی و هم سرپرستی را شامل می‌شود.

سوال:

استاد: در اینجا دو حالت دارد، می‌تواند با آنها مخالفت کنند و می‌تواند با آنها همراهی کنند. می‌فرماید که در فرض تقیه می‌تواند آنها را اولیاء قرار دهند. به طور کلی این آیه نهی می‌کند از اتخاذ کفار به عنوان دوست و ولی و سرپرست، مگر

۱. مجمع البیان ج ۲ ص ۲۷۲.

اینکه تقیه باشد که در این صورت کأنّ مانعی ندارد که آنها را ولی خود قرار دهد، با آنها مدارا داشته باشد؛ این ظاهر این آیه است.

علی ای حال مجمع البیان در مورد این آیه ادعا دارد که آیه دلالت می‌کند بر جواز و مشروعیت تقیه که منشأ آن خوف است و این هم تقیه خوفی را در برمی‌گیرد و هم تقیه اکراهی را. نوعاً در دلالت این آیه دیگران همچنین عقیده‌ای دارند و چه بسا ظهور آیه هم مساعد همین معنا و همین دلالت است. دلالت آیه طبق نظر علمای عامه

علمای اهل سنت هم چنین برداشتی از این آیه دارند. بنده چند نمونه ذکر می‌کنم و بعد به آن اختلافی که در مورد این آیه بین شیعه و سنی است اشاره می‌کنم.

برخی از مفسران اهل سنت در مورد این آیه معتقدند آیه دلالت بر مشروعیت تقیه دارد. فی الجمله اصل مشروعیت تقیه از این آیه استفاده می‌شود، از جمله آلوسی در روح المعانی^۱، قرطبی در الجامع لاحکام القرآن^۲. فخر رازی در تفسیر کبیر^۳، هر چند فخر رازی در اینجا ضمن نقل برخی از اقوال که تقیه را منحصر کردند به خصوص کفار آنهم در صدر اسلام که کفار غلبه داشتند بر مسلمین، ادعا می‌کند که این روش تا قیامت برای همه مسلمین در برابر کفار جائز است و اولی است. یا مثلاً در تفسیر المنار^۴ گفته شده «قصارى ما تدلّ علیه الآیه أن للمسلم أن یتقی ما یتقی من مضرّة الکافرین».

تفاوت دو دیدگاه

اختلافی که بین برداشت علمای اهل سنت از این آیه و علمای شیعه است، این است که نوعاً آنها می‌گویند این آیه دلالت دارد بر مشروعیت تقیه از کفار آنهم در شرایطی که خوف و ترس وجود دارد. قهراً این مربوط به زمانی است که آنها غالب‌اند و مؤمنین مغلوب. پس مشروعیت تقیه نزد اهل سنت بر طبق این آیه فقط مختص به تقیه در برابر کفار، آنهم در صورتی که آنها سیطره و سلطه دارند و غالب‌اند، لذا در غیر مورد کفار و در غیر فرض سیطره کفار و غلبه آنها این معنا ندارد. بگذریم از این که برخی اساساً این را اختصاص داده‌اند به صدر اسلام، یعنی در برابر کفار بعدی که اسلام یک قدرتی پیدا کرده این را جایز نمیدانند اما نوعاً در مورد تقیه معتقدند تقیه مشروع است در برابر کفار، آنهم به شرطی که کفار غلبه داشته باشند.

۱. روح المعانی، ج ۳، ص ۱۶۱.

۲. الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۵۷.

۳. تفسیر کبیر، ج ۳، ص ۱۹۴.

۴. تفسیر المنار، ج ۳، ص ۲۸۱.

بررسی دلالت آیه اول بر مشروعیت انواع تقیه

علی رغم این اختلاف و تفاوت دیدگاه بین علمای شیعه و سنی در مورد دلالت این آیه، می‌خواهیم بررسی کنیم که آیا واقعاً این آیه دلالت بر مشروعیت تقیه به همه انواعش دارد یا ندارد؟

اینکه بگوییم این آیه دلالت دارد بر مشروعیت تقیه فقط در صدر اسلام، در واقع چنین حصری از این آیه استفاده نمیشود. همانطور که برخی از علمای اهل سنت هم گفته‌اند، قدر متیقن از آیه، کفاراند آن هم زمانی که غلبه بر مسلمین دارند، تقیه مشروع است. اما عمده این است که چرا تقیه در برابر کفار مشروع است، آنهم بر فرض غلبه؟

آنچه از این آیه استفاده می‌شود این است که این برای حفظ مسلمین در برابر کفار بوده، یعنی در واقع به این روش خداوند خواسته مسلمین در برابر کفار حفظ شوند و اینطور نبوده که در هر شرایطی مجبور به اظهار مخالفت و مبارزه باشند که این نتیجه‌اش ضعف و فتور مسلمین به تدریج در طول زمان است. اگر این مسأله ملاک باشد، وجهی ندارد که ما این را مختص به صدر اسلام کنیم، در این آیه به خصوص از مؤمنین و کفار صدر اسلام سخن گفته نشده است، بلکه درست است مورد آیه آنها هستند ولی ظاهر آیه مطلق کفار و مؤمنین‌اند و به طور کلی می‌فرماید که مؤمنین در برابر کفار این چنین نباشند استصلاح هم کلی است، برای همه مؤمنین در برابر کفار. و همانطور که میدانید مورد، قطعاً مخصّص نیست.

اما در مورد غیر مورد خوف ضرر، عمده این است که آیا این پرهیز در برابر کفار در غیر خوف ضرر جوازش استفاده می‌شود یا خیر؟ اگر ما به استثناء نگاه کنیم «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» در برابر کفار، مسأله خوف و ضرر فقط مطرح نشده. «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» یعنی اینکه از آنها پروا کنند، این پروا و تقیه از کفار می‌تواند به خاطر خوف و نگرانی از ضرر باشد حفظاً للنفس و المال و عرض؛ و می‌تواند در برابر اکراه آنها باشد، این دو مورد بحثی ندارد. اما اگر مصلحت اقتضاء کند که اینها با کفار چنین رابطه‌ای داشته باشند، معاشرت داشته باشند، آیا این آیه شاملش نمیشود؟ به عبارت دیگر آیه شامل تقیه مداراتی در برابر کفار نمیتواند بشود؟ یک وقت مصلحت اقتضاء می‌کند که مسلمین جلب مودت و محبت کفار کنند، اینکه متصور است. آیه هم خصوص تقیه به خاطر خوف و دفع ضرر را هم که نگفته بلکه می‌گوید: اینها را ولی و دوست و سرپرست خود قرار ندهید مگر اینکه تقیه‌ای در کار باشد. اگر ما گفتیم گاهی منشاء تقیه خوف است و اُخری منشاء آن مصلحت است بدون اینکه ضرری در کار باشد، این مشمول این بخش از آیه نیست؟ ظاهرش این است که مشکلی در شمول آیه نسبت به آن نیست. ما در مورد تقیه مداراتی چه گفتیم؟ اصلاً انواع تقیه چگونه بود؟ عبارت امام چه بود؟ ببینید امام بطور کلی فرمودند: تقیه دو صورت دارد، گاهی لذاتها مطلوب است و گاهی للغير مطلوب است. آنجایی که لذاتها مطلوب است مثل این است که در دولت باطل کتمان می‌کند حقائق را اِلَى ظُهورِ دولةِ الحق؛ این در مقابل اذاعه است. و اما آنجایی که مطلوب للغير است، گاهی بخاطر عذر و ضرورت ترخیص شده است. این هم شامل تقیه خوفی می‌شود و هم شامل تقیه اکراهی.

یک قسم هم «ما شُرعت لاجل مداراة الناس بجلب مودّتهم». بله، نوعاً تقیه مداراتی با اهل سنت در بین فرقه‌های اسلامی است، اما اگر ما معنا را عام بگیریم، یعنی تقیه برای جلب محبت و جرّ مودّت، آیا این از این استفاده نمیشود؟ به نظر ما مشروعیت تقیه مداراتی در برابر کفار قابل استفاده است. این آیه ظهور در شمول نسبت به این مورد هم دارد.

اما تقیه کتمانی، در تقیه کتمانی آنچه مطلوب است، خود تقیه و کتمان مطلوب است در برابر اذاعه. یعنی نفس عدم افشا و پوشاندن و پنهان کردن یک حقیقتی و یک معرفتی، این مطلوب و مورد نظر است. به نظر میرسد این آیه دیگر شامل تقیه کتمانی نمیشود، چون در تقیه کتمانی، ما کتمان حق و معارف در برابر کفار نداریم؛ یعنی در برابر کفار چه چیزی را می‌خواهد کتمان کند؟ توحید، معاد و نبوت را؟ آن مطلوبیت ذاتیه‌ای که برای تقیه و کتمان وجود دارد و در مقابل اذاعه است، چه بسا نسبت به کفار قابل تصور نباشد.

ما تا اینجا ثابت کردیم این سه نوع تقیه در برابر کفار مشروع است. حالا در برابر غیر کفار چه؟

اساس این آیه برای حفظ مسلمین و دفع ضرر از آن‌ها و جلب منفعت برای مسلمین است، وقتی در بین مسلمین نسبت به کفار این مسأله که اینها حفظ شوند و انرژی و توان و نیروی اینها هدر نرود، ملاک باشد و مناط را ما به نوعی استفاده کنیم، این ملاک و مناط در مورد مسلمانان نسبت به یکدیگر هم هست، نسبت به فرقه‌های دیگر مسلمین هم هست.

اگر بتوانیم از این آیه مناط استفاده کنیم که با چه ملاکی این استثناء شده که تقیه در برابر کفار جائز و مشروع است، این را چه بسا در دایره مسلمان‌ها و در تقیه مسلمین نسبت به یکدیگر هم بتوانیم بیاوریم.

لذا مجموعاً به نظر ما این آیه دلالت بر مشروعیت سه قسم از اقسام تقیه دارد، هرچند در مورد شمول آن نسبت به تقیه کتمانی جای تأمل و شبهه است.

سوال:

استاد: عرض کردیم تقیه کتمانی در حقیقت تقیه‌ای است که بذاتها مطلوب است و مورد و بستر آن هم این است که یک مطلبی کتمان شود و اظهار نشود. از باب اینکه این در برابر کفار است برای جلب منفعت یا حفظ نفس در مقابل ضرر و در مقابل اذاعه است. عرض کردم موضوعاً منتفی است. کتمان در اینجا در مقابل اذاعه و انتشار است، این یعنی پنهان کردن. آیه در واقع اینجا از رویارویی دو گروه در برابر هم یکی مؤمنین و کفار سخن می‌گوید. بالاخره بحث حفظ و خوف ضرر یا مصلحت در میان است. اما در کتمان مسأله جلب منفعت و جلب مودّت نیست، هرچند ممکن است که بالاخره کتمان یک حکمتی داشته باشد، کتمان که بی جهت نیست. ممکن است جهتش این باشد که هنوز مثلاً ظرفیت مخاطب به حدی نرسیده که این حرف را بشنود.

سوال:

استاد: شما تقیه کتمانی را با سکوت و ترک در تقیه خوفی یا اکراهی یکی گرفتید. در تقیه خوفی هم نگفتن داریم. اصلاً تقیه کتمانی نگفتن و سکوت نیست. عمده این است که ببینید که کجای آیه تقیه کتمانی را خارج می‌کند؟ چگونه شما می‌گویید آیه

شامل تقیه کتمانی نمیشود؟ ببینید در تقیه کتمانی اصلاً رویارویی نیست. ببینید ما یک گروه کفار داریم و یک گروه مؤمنین، اما عمده این است که در برابر آن به یک دلیلی یا «حفظاً عن الضرر» یا «جلباً عن المصلحة»، همراهی صورت می‌گیرد حالا یا با فعل یا با ترک یا با سکوت. ولی این ارکان وجود دارد اینجا و در این قالب مشروعیت تقیه را استفاده می‌کنیم، اما در تقیه کتمانی اصلاً چنین قالبی نیست که این در برابر یک گروهی باشد، در تقیه کتمانی اینکه نمیخواهد یک مطلبی اشاعه پیدا کند، این از این آیه استفاده نمیشود، لذا ما معتقدیم این آیه سه قسم از انواع تقیه را در بر می‌گیرد و این قسم اخیر را در بر نمی‌گیرد. و این چیزی را هم که شما میفرمایید که تقسیمات را ما خودمان در آوردیم، بله، ما با ملاحظه آیات و روایات دیدیم که برای تقیه اشکال و صور مختلفی ذکر کرده‌اند این تقسیم هم بر اساس ادله اصطیاد شده است.

«والحمد لله رب العالمین»